

تعهدات جمهوری اسلامی ایران در زمینه

حقوق فرهنگی افراد معلول

سید احمد طباطبایی^۱، سعید نوری نشاط^{۲*}

۱. استاد یار گروه حقوق، پردیس قم، دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد حقوق عمومی

(تاریخ دریافت: ۸۸/۳/۶؛ تاریخ تصویب: ۸۸/۷/۵)

چکیده

در سال‌های اخیر دو تحول مثبت و مؤثر در خصوص حمایت از حقوق معلولان در نظام حقوقی ایران صورت گرفت. در سال ۱۳۸۳ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تصویب گردید و در سال ۱۳۸۸ ایران از طریق الحاق، به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پیوست. مقاله حاضر به بررسی تعهدات جمهوری اسلامی ایران در خصوص حقوق فرهنگی معلولان از دو منظر حقوق بین‌المللی و حقوق داخلی و با توجه خاص به دو سند مهم فوق و با رویکرد تطبیقی بین این دو سند، می‌پردازد. در تحقیق حاضر حق آموزش، حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه و حق دسترسی به اطلاعات برای افراد دارای معلولیت مورد مطالعه قرار گرفته است. در نهایت، این نتیجه حاصل می‌گردد که در خصوص حق بر آموزش، قانون جامع حقوق ممتاز و نسبتاً جامعی را و بعضاً حقوق بیش‌تری را برای معلولان در مقایسه با کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پیش‌بینی نموده است. با این وجود، فقدان یا ضعف مقررات قانونی داخلی در جهت هماهنگی با مندرجات کنوانسیون در خصوص حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه و حق دسترسی به اطلاعات افراد دارای معلولیت مشهود است. هر چند سازمان بهزیستی و نهادهای ذیربط تلاش‌هایی را برای تحقق بخشیدن به حقوق فوق انجام داده‌اند.

واژگان کلیدی

حقوق فرهنگی معلولان، حق آموزش، حق دسترسی به اطلاعات، قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت.

مقدمه

از حقوق فرهنگی معمولاً به عنوان بخش توسعه نیافته، اما بسیار مهم و اساسی حقوق بشر یاد می‌شود. مسأله تحقق حقوق فرهنگی یکی از وظایف اصلی دولت‌هاست و چنان‌که در مقدمه «کنوانسیون حفاظت و ترویج تنوع جلوه‌های فرهنگی» آمده است، میان سیاست‌های فرهنگی و سیاست‌های توسعه‌ای ارتباطی اساسی وجود دارد.^۱ در واقع نمی‌توان بدون برنامه‌ریزی برای توسعه فرهنگی، سخن از توسعه یک کشور گفت.^۲

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)^۳ بیان می‌دارد: هر فردی حق مشارکت آزادانه در زندگی فرهنگی جامعه را دارد. اگر هر فرد انسانی این حق را دارد که به واسطه احترام به کرامت و شأن ذاتی خود در میراث فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی اجتماع یا اجتماعات مختلفی که شخص به آن تعلق دارد، مشارکت نماید؛ به طور منطقی، مسئولان این اجتماعات موظفند تا آنجا که توان آنان اجازه می‌دهد، لوازم مورد نیاز چنین مشارکتی را برای تمامی افراد فراهم آورند (ژیرار، ۱۳۷۲، ص ۲۴۴). با همین نگاه است که ضرورت توجه به حقوق فرهنگی برای گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله معلولان مطرح می‌شود.

توجه به حقوق و نیازهای گروه معلولان در کشوری مانند ایران که یک دوره جنگ دفاعی هشت ساله را نیز پشت سر گذاشته، ضرورت بیش‌تری می‌یابد. طبق آمارهای سازمان جهانی بهداشت، آمار شیوع معلولیت‌های متوسط و شدید در کشورهای در حال توسعه، ۴/۶ درصد است که بر این اساس حدود ۳ میلیون معلول ممکن است در کشور زندگی کنند.^۴ مرکز ملی آمار مطابق با سرشماری سال ۱۳۸۵، اعلام کرده است که تعداد یک میلیون و دوازده هزار

۱. کنوانسیون حفاظت و ترویج تنوع جلوه‌های فرهنگی مصوب سی و سومین کنفرانس عمومی یونسکو در اکتبر ۲۰۰۵ است که از ۱۸ مارس ۲۰۰۷ به مرحله اجرا در آمده است.

۲. نگاه کنید به "برنامه اقدام سیاست‌های فرهنگی برای توسعه" که در کنفرانس بین‌المللی سیاست‌های توسعه‌ای در استکهلم (۳۰ مارس الی ۲ آوریل ۱۹۹۸) تصویب گردید.

3. Universal Declaration of Human Rights, 1948

۴. به نقل از علیرضا سعادت، مدیر کل دفتر امور معلولان ذهنی، به نقل از سایت رسمی سازمان بهزیستی

کشور، ۱۴ فروردین ۱۳۸۹.

معلول در کشور زندگی می‌کنند.

امروزه تلاش بسیاری صورت می‌گیرد که معلولان مانند دیگر گروه‌های اجتماعی از حقوق خود بهره‌مند شوند. این گروه از جمعیت از کشور حق دارند که مانند دیگر شهروندان در محیطی فارغ از تبعیض زندگی کنند، و از تمامی حقوق اختصاص یافته به بشر از جمله حقوق فرهنگی مندرج در قوانین داخلی و معاهدات بین‌المللی بهره‌مند گردند. با درک این ضرورت این مقاله تلاش دارد به این پرسش مهم پاسخ دهد که گستره تعهدات جمهوری اسلامی ایران در این خصوص تا چه حد می‌باشد. در این مقاله هم‌چنین موانع و چالش‌های موجود در خصوص حقوق فرهنگی معلولان نیز به طور اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تعهدات جمهوری اسلامی ایران در یک نگاه کلی

در این مقاله تعهدات ایران در خصوص حقوق فرهنگی معلولان در دو حوزه حقوق داخلی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حوزه داخلی قوانین، مصوبات و آیین‌نامه‌های ذیربط خصوصاً قانون اساسی و قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (مصوب مجلس شورای اسلامی، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۳) و آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون (مصوب هیأت وزیران) مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه بین‌المللی، کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (نیویورک، ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶)^۱ جامع‌ترین سند در خصوص حقوق معلولان به حساب می‌آید و تصویب آن نقطه عطفی در تاریخ تمدن انسانی در گذار از «نگاه ترحم محورانه» به «رویکرد حق‌مدارانه» در خصوص معلولان به شمار می‌آید (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۷). تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت نقطه اوج اقدامات و فعالیت‌های متعدد سازمان‌های ملی و

1. Convention on the Rights of Persons with Disabilities, New York, 13 December 2006

کنوانسیون افراد دارای معلولیت و پروتکل اختیاری آن در تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب قطع‌نامه شماره A/Res/ 61/106 با اکثریت آرا به تصویب رسید. کنوانسیون و پروتکل الحاقی ضمیمه شده به قطع‌نامه فوق از تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۷ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضا مفتوح گردید. تا پایان فروردین ۱۳۸۹، ۱۴۴ کشور این کنوانسیون را امضا نموده، ولی تنها ۸۵ کشور آن را تصویب نموده یا به آن ملحق گردیده است. این معاهده از تاریخ ۳ می ۲۰۰۸ لازم الاجرا گردیده است. جمهوری اسلامی ایران نیز در تاریخ ۲۳ اکتبر ۲۰۰۹ به این کنوانسیون ملحق گردید. اما در خصوص پروتکل اختیاری افراد دارای معلولیت تا پایان فروردین ۱۳۸۹، ۸۸ کشور آن را امضا نموده و فقط ۵۲ کشور آن را تصویب نموده یا بدان ملحق گردیده است. این پروتکل نیز از تاریخ ۳ می ۲۰۰۸ لازم الاجرا گردیده است. جمهوری اسلامی ایران به این پروتکل نپیوسته است.

بین‌المللی دولتی و غیر دولتی در راستای حمایت از حقوق معلولان به شمار می‌آید.^۱ در این تحقیق، علاوه بر کنوانسیون فوق، دیگر اسناد بین‌المللی که حقوق فرهنگی را به طور عام، بدون توجه به قشر خاص، مورد توجه قرار داده‌اند از جمله میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،^۲ ۱۹۶۶ و کنوانسیون حقوق کودک،^۳ ۱۹۸۹ مورد توجه قرار گرفته است. حایز اهمیت می‌باشد که جمهوری اسلامی ایران عضو تمامی معاهدات فوق می‌باشد.

مفاهیم

با توجه به عنوان مقاله ضرورت دارد تا مفاهیم اصلی، یعنی «افراد دارای معلولیت» و «حقوق فرهنگی» تعریف و تبیین گردند. تبصره ماده یک کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (از این به بعد کنوانسیون)، افراد دارای معلولیت^۴ را چنین تعریف می‌کند:

افراد معلول، اشخاصی را که دارای آسیب‌دیدگی‌های طولانی مدت جسمی، ذهنی، فکری و یا حسی هستند و تعامل‌شان با موانع مختلف، از نظر مشارکت کامل و مؤثر، بر اساس اصول مساوی با دیگران، ممکن است مشکل آفرین باشد، شامل می‌شوند.

چنان که در بالا دیده می‌شود، این معلولیت ممکن است شکل‌های مختلفی داشته باشد، ولی مهم این است که فرد را از زندگی روزمره خود باز می‌دارد. تبصره ماده یک قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (از این به بعد قانون جامع)، نیز افراد دارای معلولیت را به شرح زیر تعریف می‌نماید:

منظور از معلول در این قانون به افرادی اطلاق می‌گردد که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی بر اثر ضایعه جسمی، ذهنی، روانی یا توام، اختلال مستمر و قابل توجهی در سلامت و کارایی عمومی وی ایجاد گردد، به طوری که موجب کاهش استقلال فرد در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.

با مقایسه تعاریف مندرج در کنوانسیون و قانون جامع روشن می‌گردد که تفاوت عمده‌ای بین آن‌ها وجود ندارد. در قانون جامع مقام صلاحیت‌دار برای احراز معلولیت کمیسیون پزشکی

۱. جهت مطالعه سیر تاریخی مختصر این اقدامات رک: (توسلی نایینی و کاویار، ۱۳۸۷، صص ۶۷-۵۲).

2. International covenant on economic, social and cultural rights, New York, 16 December 1966.

3. Convention on the rights of the child, New York, 20 November 1989.

۴. در برخی از متون، به جای استفاده از عبارت افراد دارای معلولیت، از عبارت افراد کم توان استفاده

می‌شود.

سازمان بهزیستی تعیین گردیده است.

«حقوق فرهنگی بشر» مجموعه گسترده‌ای از حقوق را در بر می‌گیرد، و با یک مرور گذرا بر مفاد اسناد بین‌المللی موجود، بویژه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روشن می‌گردد که حق بر آموزش، حق شرکت در حیات فرهنگی اجتماع، حق بهره‌مندی از جریان آزاد اطلاعات و دسترسی به اطلاعات، و حق بهره‌مندی افراد از حمایت در مقابل کلیه منافع معنوی، مادی ناشی از هر گونه اثر علمی، ادبی یا هنری که مصنف یا مخترع آن است، حق بر میراث فرهنگی از جمله حقوق فرهنگی هستند. در این مقاله، سه دسته اصلی از حقوق فرهنگی در خصوص حقوق معلولان به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. حق آموزش؛

۲. حق شرکت در زندگی فرهنگی جامعه؛

۳. آزادی جریان اطلاعات و دسترسی به اطلاعات.

حق آموزش افراد دارای معلولیت

آموزش و پرورش افراد دارای معلولیت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، زیرا این بخش از حیات فرهنگی آنان نقش بسیار مهمی در توانمندشدن، اشتغال و کشف استعداد و توانایی‌های آنان دارد. در واقع، هدف مهم آموزش و پرورش مسلط کردن فرد بر محیط پیرامونش است. این مهم از طریق حق دسترسی به تحصیل بدون تبعیض، بهره‌مندی رایگان از تحصیل، رفتار با شئون انسانی با کودکان معلول در دوران تحصیل، تعهد نسبت به رشد و آمادگی آنان در جهت بازگشت به جامعه برای یک زندگی مسئولانه مقدور می‌گردد.

بر اساس یکی از رویکردهای نوین در توانبخشی معلولان تحت عنوان «توانبخشی اجتماع محور»، آموزش در کنار سلامت، اشتغال، برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی و حمایت اجتماعی از اصول اولیه و اساسی در توانمندسازی این افراد می‌باشند. اهمیت آموزش در توانمندسازی این افراد به اندازه‌ای است که متخصصان توانبخشی مبتنی بر جامعه، راه برون رفت معلولان از فقر را سه چیز می‌دانند: آموزش، آموزش و آموزش.

آموزش ابزار قدرتمندی برای ارتقای توانمندسازی معلولان است. چنان‌که ریفیکن و پریدمور (۲۰۰۱) اظهار می‌دارند که اطلاعات (آموزش) قدرت است. کسانی که اطلاعات

ندارند، فاقد قدرت و حق انتخاب در خصوص بهبود شرایط زندگی خود هستند و نمی‌توانند اتفاقات پیرامون خود را کنترل کنند. از طریق برنامه‌های آموزشی رسمی و غیررسمی معلولان می‌توانند دانش و مهارت‌های لازم را برای انجام عملکردها، وظایف یا برخی از فعالیت‌های اقتصادی مؤثر در رشد و توسعه فردی و اجتماعی به دست آورند (پاکزادمنش و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵). در واقع، تحقق بسیاری از حقوق معلولان از جمله اشتغال و دیگر حقوق فرهنگی (مانند مشارکت در زندگی فرهنگی و دسترسی به اطلاعات) در گرو تحقق امر آموزش می‌باشد.

تعهدات بین‌المللی ایران در زمینه حق آموزش برای معلولان فقط محدود به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت^۱ نمی‌شود و حقوقی نیز در میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نیز کنوانسیون حقوق کودکان آمده است و ایران نیز عضو این دو معاهده و متعهد به آن‌ها می‌باشد. هر چند در این دو سند بین‌المللی اشاره‌ای به طور خاص به معلولان نشده است، ولی به هر حال با اطلاقی که دارند شامل حال معلولان نیز می‌شود. ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی^۲ به حق تمامی افراد به آموزش و پرورش تصریح دارد.

بند دوم ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مجموعه‌ای از

۱. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳ دسامبر ۲۰۰۶ میلادی مشتمل بر پنجاه ماده، دولت‌های عضو خود را متعهد کرده است که تحقق کلیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را برای تمامی افراد دارای معلولیت بدون هر گونه تبعیض بر مبنای معلولیت تضمین و ارتقا دهند. مجلس شورای اسلامی، به دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه تودیع اسناد تصویب این کنوانسیون را با رعایت تبصره‌های زیر داد: تبصره ۱- وزارت رفاه و تأمین اجتماعی (سازمان بهزیستی کشور) و بنیاد شهید و امور ایثارگران به‌عنوان مراجع ملی موضوع ماده (۳۳) کنوانسیون تعیین می‌گردند تا با هماهنگی یکدیگر نسبت به اجرای مفاد کنوانسیون اقدام نمایند.

تبصره ۲- باتوجه به ماده (۴۶) کنوانسیون، جمهوری اسلامی ایران خود را ملتزم به رعایت آن دسته از مفاد کنوانسیون که مغایر با موازین حقوقی جاری خود باشد، نمی‌داند.

۲. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیرو قطع‌نامه A(XXI) ۲۲۰۰ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۷۶ قدرت اجرایی یافت. نماینده مختار دولت ایران در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۷ (۴ آوریل ۱۹۶۸) این میثاق را در نیویورک امضا کرد و چند سال بعد، مطابق ماده واحده مجلس شورای ملی در ۱۴ آذر ۱۳۵۱ و با تصویب آن توسط مجلس سنا در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۴ به این میثاق ملحق گردید.

تعهدات را در خصوص حق بر آموزش برای دولت‌ها قابل می‌شود: اجباری بودن آموزش و پرورش ابتدایی، رایگان بودن آموزش و پرورش ابتدایی، تعمیم آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای، به تساوی قرار گرفتن آموزش در دسترس عموم، تشویق و تشدید آموزش برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده‌اند یا آن را تکمیل نکرده‌اند، توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج، بهبود شرایط مادی معلمان.

ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک نیز کشورهای عضو را متعهد می‌سازد تا حقوق مندرج در این کنوانسیون را برای تمامی کودکان بدون هیچ گونه تبعیضی از جهات مختلف از جمله عدم توانایی تضمین نمایند. هدف از درج عبارت عدم توانایی تأکید بر حق آموزش معلولان می‌باشد. ماده ۲۸ این کنوانسیون نیز با ادبیات مشابه میثاق حقوق اقتصادی، به آموزش و پرورش اجباری و رایگان کودکان تأکید دارد. علاوه بر ماده فوق، ماده ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک^۱ نیز حاوی تعهداتی صریح در خصوص کودکان معلول است. بند سه این ماده کشورهای عضو را به برنامه‌ریزی لازم برای دسترسی مؤثر کودکان معلول به آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت متعهد می‌سازد.^۲

افزون بر تعهدات مندرج در اسناد فوق، تعهدات تفصیلی ایران در خصوص حق آموزش افراد دارای معلولیت را باید در کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت یافت. ماده ۲۴ کنوانسیون به موضوع آموزش می‌پردازد. ابتدای این ماده، دولت‌های عضو را متوجه مسأله تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر نموده است و بیان کرده است که دولت عضو باید بتواند نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش مادام‌العمر برای معلولان تضمین کند و البته بندهایی را به عنوان اجزای اصلی این نظام آموزشی مطرح

۱. کنوانسیون حقوق کودک مشتمل بر یک مقدمه و ۵۴ ماده مصوب نوامبر ۱۹۸۹ است. در تاریخ اول اسفند ۱۳۷۲، جمهوری اسلامی ایران مطابق ماده واحده مجلس شورای اسلامی به این کنوانسیون پیوست، و در هنگام الحاق حق شرطی را برای خود قابل شد، بدین مضمون که "مفاد این کنوانسیون در هر مورد و در هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد".

۲. اصل ۵ اعلامیه حقوق کودک (مصوب مجمع عمومی، ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹)، مقرر می‌دارد: "کودکی که از لحاظ بدنی، فکری یا اجتماعی معلول است، باید تحت توجه خاص، آموزش و مراقبت لازم متناسب با وضع خاص وی قرار گیرد."

کرده است، و از جمله به توسعه کامل توانایی‌های انسانی و حس منزلت و خود ارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین و تنوع انسانی و توسعه شخصیت، استعداد و خلاقیت توأم با توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت تا نهایت توانمندی‌های آنها و توانمند ساختن افراد دارای معلولیت جهت مشارکت مؤثر آنان در جامعه آزاد اشاره کرده است. کنوانسیون در ذیل این ماده چهار بند مهم آورده‌اند و از دولت‌های عضو خواسته‌اند که تضمین کنند که این موارد محقق می‌شود.

بند اول به جزییات نظام آموزش همگانی پرداخته است، بند دوم به آموزش مهارت‌های زندگی اجتماعی اشاره کرده است، بند سوم به آموزش معلمان ویژه معلولان و ابزارها و تجهیزات مورد نیاز این معلمان پرداخته است و بند چهارم به موضوع اشکال مختلف آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای توجه کرده است. در واقع، این چهار بند، جوانب مختلف آموزش برای معلولان را پوشش داده است و نگاهی جامع به تحقق حق بر آموزش برای افراد دارای معلولیت دارد. در اینجا قصد نداریم که وارد جزییات موضوع شویم، ولی لازم به ذکر است که ماده ۲۴ ماده‌ای جامع در موضوع آموزش می‌باشد. باید دقت شود که ماده ۲۴ آموزش را تنها محدود به دوره ابتدایی نمی‌داند و رابطه‌ای بین این آموزش و زندگی فرد معلول و حدود توانایی‌هایش ایجاد می‌کند و به ابزارها، وسایل و روش‌ها توجه دارد.

در حقوق داخلی ایران نیز حق آموزش برای همه افراد از جمله معلولان مورد توجه قرار گرفته است. اصل سی‌ام قانون اساسی بیان می‌دارد که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. در این اصل، همه ملت صاحبان حق دسترسی به آموزش و پرورش تلقی شده‌اند و هیچ گونه قید خاصی برای محدود کردن افراد آورده نشده است. با در نظر گرفتن روح قانون اساسی و اصل برابری همه در پیشگاه قانون (اصول ۱۹ و ۲۰)، معلولان نباید با مانعی در بهره‌مندی از حقوق فرهنگی خود، بویژه حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش روبرو شوند و قوانین عادی باید به گونه‌ای تسهیل‌کننده تحقق این حقوق باشند. این اصول فراگیر، تمام محدودیت‌های نامعقول را از پیش پای ملت در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها، برداشته و راه را برای هر گونه توجیه تبعیض‌آمیزی بسته است و لذا هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس، مرام، مسلک و یا عقیده دینی یا مذهبی، وجود ندارد (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۰).

تصویب قانون جامع حمایت از معلولان گام مثبت و مهمی در جهت تحقق بخشیدن به

حقوق معلولان به شمار می‌آید. مطابق ماده اول این قانون، دولت موظف است، زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان، فراهم و حمایت‌های لازم را از آن‌ها به عمل آورد. از جمله حمایت‌های مورد نظر این قانون حمایت‌های آموزشی می‌باشد. ماده هشت قانون جامع بیان می‌دارد:

معلولان نیازمند واجد شرایط در سنین مختلف می‌توانند با معرفی سازمان بهزیستی کشور از آموزش رایگان در واحدهای آموزشی تابعه وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم تحقیقات و فن‌آوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاه‌های دولتی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی بهره‌مند گردند.^۱

ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده هشت مصوب هیأت وزیران^۲ مفاهیم موجود در ماده هشت را به شرح زیر تبیین نموده است:

«معلول نیازمند واجد شرایط» معلولی است که نیازمند بودن وی به تأیید واحدهای ذیربط در سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد (بند پ)

منظور از آموزش رایگان، معافیت معلول از پرداخت هزینه‌های آموزشی مربوط می‌باشد. «آموزش» تمام مقاطع مختلف تحصیلی شامل مهد کودک (تا قبل از سن ورود به دبستان) ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، پیش‌دانشگاهی، عالی (دانشگاهی)، تخصصی و تکمیلی و آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای را شامل می‌گردد. (بندهای ت و ث).

«واحدهای آموزشی» تحت شمول آموزش رایگان شامل کل واحدهای آموزشی وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فن‌آوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی کشور، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، دانشگاه آزاد اسلامی،

۱. در گزارش اقدامات کلی انجام شده در خصوص قانون جامع حمایت از حقوق معلولان تا مورخه ۸۵/۹/۳۰ آمده است: "با تأمین کامل هزینه تحصیل سالانه کلیه دانشجویان معلول در سراسر کشور توسط سازمان بهزیستی، موضوع ماده مذکور (آموزش رایگان) به طور کامل رعایت و اجرا می‌شود. در حال حاضر سالانه شهریه دانشگاه بیش از ۸۶۰۰ نفر دانشجوی معلول در هر ترم و در مقاطع مختلف تحصیلی توسط این سازمان تأمین و پرداخت می‌شود. طرح‌هایی نیز در جهت کیفی‌سازی تحصیل معلولان در دانشگاه‌ها در دست بررسی است که همکاری بیش‌تر وزارتخانه‌های مربوطه و دانشگاه آزاد اسلامی را می‌طلبد." (سایت اینترنتی سازمان بهزیستی)

۲. بر اساس تبصره ماده هشت، آیین‌نامه اجرایی این ماده مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و وزارتخانه‌های آموزش و پرورش علوم، تحقیقات و فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی کشور و دانشگاه آزاد اسلامی تهیه و در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۵/۵ به تصویب هیأت وزیران رسید.

دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی کاربردی، واحدهای آموزشی سایر وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی می‌گردد. (بند ج ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده هشت).
با دقت در تعاریف فوق روشن می‌گردد که در مقایسه با افراد عادی، معلولان هم در بهره‌گیری از آموزش رایگان و هم در خصوص نوع واحدهای آموزشی از حقوق بیش‌تری برخوردارند.^۱ در جهت تحکیم امر آموزش، ماده پنج آیین‌نامه اجرایی ماده هشت اجرایی سازمان مدیریت را موظف می‌سازد تا اعتبار مورد نیاز برای دانشجویان معلول نیازمند که بر اساس ماده (۵۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب-۱۳۸۳- جذب می‌شوند را پیش‌بینی و پرداخت نمایند.

در ارتباط با آموزش‌های لازم برای اشتغال تبصره ۴ ماده ۵ آیین‌نامه مقرر می‌دارد: «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور موظف است، آموزش‌های لازم فنی و حرفه‌ای را متناسب با بازار کار برای معلولان به صورت رایگان و تلفیقی تأمین نماید.» ماده ۱۰ نیز موضوع کمک هزینه برای آموزش و حرفه آموزی معلولان را مطرح می‌کند و بیان می‌دارد که میزان کمک هزینه (یارانه) پرداختی سازمان بهزیستی کشور به مراکز غیردولتی (روزانه و شبانه‌روزی) بابت نگهداری، خدمات توانبخشی و آموزشی و حرفه‌آموزی معلولان همه ساله مشترکاً توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.^۲ نکته مثبت و ابتکاری قانون جامع، طرح مسأله مشارکت خانواده معلولان و همکاری بخش غیر دولتی اعم از خصوصی، تعاونی و مؤسسات خیریه برای ارائه خدمات حمایتی، آموزشی و حرفه آموزی معلولان است (رضایی و السان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵).
علاوه بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، آیین‌نامه آموزش و پرورش تلفیقی -

۱. بر اساس ماده سه این آیین‌نامه شرایط ورود و مدت آموزش معلولان نیازمند واجد شرایط در واحدهای آموزشی برابر ضوابط و مقررات آموزشی حاکم بر واحدهای آموزشی مربوطه خواهد بود و مزیتی در مقایسه با افراد عادی نخواهند داشت.

۲. هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۵/۹ - آیین‌نامه میزان کمک هزینه (یارانه) قابل پرداخت به مراکز غیردولتی بابت نگهداری، خدمات توانبخشی، آموزشی و حرفه‌آموزی معلولان را (آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۰) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان) تصویب نمود. بر اساس ماده ۲ این آیین‌نامه سازمان بهزیستی کشور مکلف است، با رعایت قوانین و مقررات از محل اعتباراتی که در قوانین بودجه سالانه کشور منظور می‌شود. به ازای هر فرد مشمول این تصویب‌نامه ماهانه مبلغی را به عنوان کمک هزینه بشرح جدول پیوست این تصویب نامه برای ارائه خدمات به مراکز نگهداری، توانبخشی و آموزشی غیر دولتی پرداخت نماید.

فراگیر کودکان و دانش آموزان با نیازهای ویژه^۱ نیز دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای است. در مقدمه این آیین‌نامه آمده است که ممکن است دانش‌آموزان یک مدرسه همانند افراد اجتماع در رنگ پوست، نژاد، زبان و خصوصیات جسمی یا توانایی ذهنی متفاوت باشند، اما این تفاوت‌ها نباید موجب کنار گذاشته شدن آن‌ها از برنامه‌های آموزشی شود. مطابق تبصره یک ماده این آیین‌نامه، دانش‌آموزان گروه‌های آسیب‌دیده بینایی، آسیب‌دیده شنوایی، آسیب‌دیده جسمی - حرکتی، دارای هوش مرزی (دیرآموز)، دانش‌آموزان با مشکلات ویژه یادگیری، مشکلات رفتاری - هیجانی (خفیف تا متوسط) که توسط پایگاه سنجش سازمان آموزش و پرورش استثنایی شناسایی می‌شوند، تحت پوشش این روش قرار می‌گیرند.

با تطبیق تعهدات داخلی و بین‌المللی ایران در خصوص حقوق آموزشی معلولان، این نتیجه حاصل می‌شود که قانون جامع و آیین‌نامه‌های اجرایی آن با آنکه چند سال قبل از الحاق به کنوانسیون معلولان به تصویب رسیده‌اند؛ قسمت اعظم مندرجات کنوانسیون در خصوص آموزش را پوشش می‌دهد. حتی در برخی موارد حقوق بیش‌تری را در نظر گرفته است. به طور مثال، کنوانسیون آموزش رایگان را فقط برای مقاطع ابتدایی و متوسطه الزامی ساخته، ولی بر اساس قانون جامع، همان گونه که اشاره گردید، آموزش رایگان شامل مهد کودک، پیش‌دانشگاهی، عالی (دانشگاهی)، تخصصی و تکمیلی و آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای نیز می‌شود.

با این وجود، در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران مواردی هست که مسکوت مانده است. از جمله می‌توان به بندهای الف تا پ بند ۳ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت اشاره کرد که به موضوع تسهیل آموزش خط بریل و خط‌های جایگزین، تسهیل در یادگیری زبان اشاره، تضمین ارایه آموزش به کودکان نابینا، ناشنوا یا نابینا - ناشنوا با استفاده از مناسب‌ترین زبان‌ها و شیوه‌ها است. هر چند این موارد توسط بهزیستی و مراکز وابسته به آن پیگیری می‌شود. بنابراین، ضرورت دارد که قوانین و مقررات خاصی که تضمین‌کننده پایداری و تداوم آموزش‌های فوق باشند، وضع شوند.

حق شرکت در زندگی فرهنگی جامعه

حق شرکت در زندگی فرهنگی ابعاد و مضامین گسترده‌ای دارد و شامل کلیه فعالیت‌های

۱. مصوبه هفتصد و سی و پنجمین جلسه شورای آموزش و پرورش مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۳

فرهنگی - هنری از قبیل بهره مندی از تئاتر، سینما، نمایشگاه محصولات فرهنگی و تولیدات رسانه‌های جمعی و همچنین امکان بروز دادن خلاقیت‌های فرهنگی - هنری معلولان را شامل می‌شود. حق شرکت افراد در زندگی فرهنگی، همانند حق آموزش، در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است.

بند الف ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسأله شرکت در زندگی فرهنگی را برای همه شهروندان مطرح می‌سازد. همچنین مواد ۲۹ الی ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک موضوع شرکت در حیات فرهنگی و هنری تمامی کودکان را مطرح می‌سازد و از دولت‌ها می‌خواهد که فرصت مناسب برای شرکت در این فعالیت‌ها را فراهم نمایند. بند اول ماده ۲۳ این کنوانسیون توجه کشورهای عضو را به منزلت و افزایش اتکا به نفس کودکان معلول جلب نموده و از آنان می‌خواهد که شرکت فعال این کودکان را در جامعه و برخورداری آنان از یک زندگی آبرومند را تضمین نمایند. بند دوم همین ماده به دستیابی کودکان معلول به حداکثر کمال اجتماعی و پیشرفت شخصی از جمله پیشرفت فرهنگی و معنوی تأکید دارد. اما کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت در خصوص مشارکت معلولان در زندگی فرهنگی در بندهای اول تا چهارم ماده ۳۰ مقرر می‌دارد:

۱. دولت‌های عضو حق معلولان را برای شرکت در زندگی فرهنگی مساوی با دیگران به رسمیت می‌شناسند و می‌بایست تمام اقدامات لازم را اتخاذ نمایند تا اطمینان حاصل شود که معلولان:

- (الف) از دسترسی به محصولات فرهنگی قابل وصول برخوردار باشند،
 - (ب) از دسترسی به برنامه‌های تلویزیونی، فیلم، تئاتر و سایر فعالیت‌های فرهنگی قابل وصول برخوردار باشند،
 - (پ) از دسترسی به مکان‌های ارایه خدمات و اجراهای فرهنگی مثل تئاتر، موزه، سینما، کتابخانه و خدمات توریستی برخوردار بوده و تا جایی که امکان دارد از دسترسی به مکان‌های تاریخی و محل‌هایی که از نظر ملی دارای اهمیت هستند؛ بهره‌مند شوند.
۲. دولت‌های عضو می‌بایست تمام اقدامات مناسب را اتخاذ کنند تا افراد معلول قادر شوند، فرصت توسعه و استفاده از خلاقیت، ظرفیت‌های هنری و ذهنی خود را نه تنها برای سود خود، بلکه برای غنی‌سازی جامعه داشته باشند.
۳. دولت‌های عضو می‌بایست تمام مراحل مناسب را منطبق با قوانین بین‌المللی اتخاذ نمایند

تا اطمینان حاصل نمایند که قوانین حفاظت‌کننده مالکیت‌های معنوی به یک مانع غیرمنطقی یا تبعیض‌آمیز، در دسترسی معلولان به منابع فرهنگی تبدیل نشده باشند.

۴. معلولان می‌بایست مساوی با دیگران مستحق شناسایی و حمایت برنامه‌های خاص فرهنگی و هویت‌زبانی‌شان شامل زبان اشاره و فرهنگ ناشنویان باشند.

موضوع مشارکت فرهنگی مردم، به اشکال مختلف، در قوانین و مقررات داخلی ایران بیان شده است و سازوکارهای مختلفی برای تقویت این مشارکت فراهم گردیده است، اما به طور اخص در مورد معلولان و در جهت عملیاتی نمودن مفاد ماده ۳۰ کنوانسیون اقدام قانونی چشم‌گیری صورت نگرفته است. به طور مثال، بند ۱۹ اصول سیاست فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۲۰ / ۵ / ۱۳۷۱) به موضوع مشارکت مردم در زندگی فرهنگی اشاره دارد و وظیفه گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی و همچنین حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیر دولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه امور فرهنگی با نظارت دولت، را به عنوان یکی از وظایف فرهنگی نهادهای دولتی مطرح می‌سازد. شورای فرهنگ عمومی کشور،^۱ نیز که به منظور سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت فرهنگ عمومی کشور، زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده است، به تشویق مشارکت مردم در امور فرهنگی پرداخته است. با این وجود، نهادهای فوق در برنامه‌های خود به طور مستقیم به موضوع معلولان نپرداخته‌اند.

هم‌چنین شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، آیین‌نامه تشکیل مجلس دانش‌آموزی و اساس‌نامه کانون‌های فرهنگی و تربیتی دانش‌آموزان مدارس، هیچ اشاره‌ای به تسهیل مشارکت فرهنگی زنان و دانش‌آموزان معلول نشده است، در حالی که این نهادها می‌توانستند با تصمیمات و مصوبه‌های مناسب گام مثبتی در جهت تحقق حقوق فرهنگی اقشار فوق بردارند.

در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان به طور تفصیلی و کامل مشارکت معلولان در حیات فرهنگی اجتماع طرح نشده است. در این قانون فقط در بند ب ماده سه موضوع گسترش مراکز خاص نگهداری، آموزشی و توانبخشی معلولان واجد شرایط با همکاری بخش غیردولتی و پرداخت تسهیلات اعتباری و یارانه به آن‌ها مطرح است و در ماده چهارم نیز بیان می‌دارد که

۱. آیین‌نامه شورای فرهنگ عمومی کشور در ۵ ماده و ۲۵ بند و دو تبصره در جلسات مورخ ۷۶/۲/۲۳ و

۷۶/۳/۶ و ۷۶/۳/۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است.

معلولان می‌توانند در استفاده از امکانات ورزشی، تفریحی، فرهنگی و وسایل حمل و نقل دولتی (مترو، هواپیما، قطار) از تسهیلات نیم‌بها بهره‌مند گردند. ۱ هم‌چنین در ذیل این ماده، تبصره‌ای گنجانده شده است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تربیت بدنی و شهرداری‌ها را موظف کرده است که کتابخانه، اماکن ورزشی، پارک و اماکن تفریحی خود را به نحوی احداث و تجهیز نمایند که امکان بهره‌مندی معلولان فراهم گردد. هرچند این موارد تا حدودی می‌توانند تسهیل‌کننده مشارکت معلولان در حیات فرهنگی اجتماع باشد، اما برای تحقق مفاد کنوانسیون معلولان کافی نمی‌باشد. در قانون جامع از موضوع حق بر تشکل و نیز حق مشارکت اشخاص دارای معلولیت در تمامی تصمیم‌گیری‌ها و رایزنی‌ها که بر زندگی آن‌ها اثرگذار است، سخنی گفته نشده است (یوسفیان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۳). در حالی که این موضوع می‌تواند تأثیر بسزایی در میزان مشارکت فرهنگی معلولان داشته باشد.

نهادهای عمومی و دولتی بسیاری نیز در چارچوب بخش‌نامه‌ها و یا ضوابط خود تسهیل‌کننده تشکیل گروه‌ها، مراکز، یا شرکت‌های فرهنگی هستند، سازمان بهزیستی می‌تواند با صدور مجوز برای مراکز خاص معلولان مشارکت بیش‌تر معلولان در حیات فرهنگی را تقویت نماید. در این خصوص، بنیاد شهید هم می‌تواند تسهیل‌کننده تشکیل گروه‌های خاص جانبازان باشد.

معلولان ساکن در مناطق دور افتاده و روستاها مشکلات مضاعفی در برخورداری از حقوق فرهنگی دارند. سازمان بهزیستی از سال ۱۳۷۱ با کمک سازمان بهداشت جهانی در حال اجرای یک برنامه گسترده اجتماع محور با استفاده از اصول تسهیل‌گری در روستاها است تا بتواند جمعیت معلولان در روستاها را تحت پوشش قرار دهد و موانع موجود بر سر راه مشارکت آنان

۱. بر اساس گزارش اقدامات انجام شده در خصوص ماده ۴ قانون جامع: "معلولان تحت پوشش سازمان بهزیستی با ارایه معرفی نامه بهزیستی استان‌ها یا ارایه کارت شناسایی ویژه معلولان از خدمات نیم‌بها بلیت پروازهای داخلی و خارجی "هما" استفاده می‌نمایند. مذاکره در این خصوص با چند شرکت هواپیمایی دیگر نیز انجام شده و شرکت هواپیمایی ایران ایر تور نیز از ابتدای سال ۸۶ اقدام به ارایه تسهیلات نیم‌بها می‌نماید. هم‌چنین شرکت قطار شهری تهران و حومه نیز تسهیلات نیم‌بها ارایه می‌نماید. نیم‌بها شدن بلیت سینماها در ایام هفته به جز روزهای تعطیل با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز بررسی شده و به زودی عملی خواهد شد. بر اساس این گزارش، هم‌چنین اقدام جهت انعقاد تفاهم‌نامه با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری جهت بهره‌مندی معلولان از تسهیلات ویژه گردشگری و تفریحی صورت گرفته است. (سایت سازمان بهزیستی)

در اجتماع، اشتغال، آموزش و غیره را با توان خود معلولان و سایر افراد کلیدی روستا از میان بردارد. این اقدام قابل تحسین است و امید است که این برنامه بتواند آثار خوبی را در سطح روستاها به بار آورد.^۱

لازم است، اشاره‌ای نیز به نقش سازمان‌های غیردولتی تحت عنوان کانون‌ها و انجمن‌های فرهنگی شود که در بسیاری از موارد، می‌توانند زمینه‌ساز تحقق حق شرکت مردم در حیات فرهنگی باشند.^۲ به طور مثال، سازمان‌های افراد کم‌توان^۳ بعد از سازمان بین‌المللی معلولان در سال ۱۹۸۱ در سراسر دنیا تشکیل شدند، اما در کشور جمهوری اسلامی ایران از سابقه کم‌تری برخوردارند. در این خصوص، معلولان نیز تاکنون تشکلهایی را ایجاد نموده‌اند؛ اما در بعد فرهنگی تلاش کم‌تری در جهت تأسیس انجمن یا مؤسسه فرهنگی شده است. در این خصوص دولت باید با مشوق‌ها و مساعدت‌های لازم به این فعالیت‌ها رونق بخشد.

ماده ۳۲ کنوانسیون معلولان دولت‌های عضو را به همکاری با یکدیگر و در صورت نیاز با مشارکت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و جوامع مدنی، به خصوص سازمان‌های معلولان در جهت اتخاذ اقدامات لازم برای تحقق اهداف کنوانسیون دعوت می‌نماید. این ماده از تبادل و تقسیم اطلاعات، تجربیات و برنامه‌های آموزشی و همکاری در تحقیقات و دسترسی به دانش فنی به عنوان مصادیق همکاری‌های بین‌المللی نام می‌برد.

۱. این طرح از سال ۱۳۷۱ به صورت آزمایشی در دو نقطه روستایی استان سمنان آغاز گردید و پس از آن به تدریج در سراسر کشور گسترش یافت (سایت رسمی دفتر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری). ستاد توانبخشی مبتنی بر جامعه، برنامه‌ریزی و اجرای این طرح را در سازمان بهزیستی کشور بر عهده دارد. در همین راستا کتب ۳۵ جلدی سازمان بهداشت جهانی تحت عنوان آموزش در جامعه برای کمک به افراد معلول توسط همین ستاد به فارسی برگردان شده است و در حال حاضر مورد استفاده معلولان و خانواده‌های آنان قرار می‌گیرد. در خصوص تسهیل‌گری برای توانبخشی نیز به کتاب‌های سه جلدی تسهیل‌گری در توانبخشی مبتنی بر جامعه مراجعه کنید که توسط سعید نوری نشاط، پروین پاکزادمنش و دیگران تألیف شده است.

۲. سازمان غیر دولتی به تشکلهایی اطلاق می‌شود که توسط گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات مربوطه تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیر سیاسی است. این سازمان‌ها که امروزه از آن‌ها به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد یاد می‌شود، مطابق با ماده هفده آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب هیأت دولت به شماره ۲۷۸۶۲/ت/۰۳۱۲۸۱ مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ در وزارت کشور، استانداری‌ها و یا فرمانداری‌های مرتبط با حوزه فعالیت در نظر گرفته شده، ثبت می‌شوند و برای آن‌ها پروانه فعالیت صادر می‌گردد.

3. Disabled Persons' Organization (DPO)

حق آزادی جریان اطلاعات و دسترسی به اطلاعات

با توجه به ویژگی عصر جدید که عصر اطلاعات نامیده می‌شود، حق دسترسی به اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌باشد. در اسناد بین‌المللی به این بخش از حقوق فرهنگی نیز تأکید شده است. ماده ۱۳ کنوانسیون حقوق کودک به آزادی ابراز عقیده کودک اشاره دارد و این حق شامل آزادی جستجو، دریافت و رساندن اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی یا چاپ شده، به شکل آثار هنری یا از طریق هر رسانه دیگری به انتخاب کودک می‌باشد. ماده ۱۷ این کنوانسیون موضوع دسترسی کودک را به اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون ملی و بین‌المللی خصوصاً مواردی که مربوط به اعتلای رفاه اجتماعی، معنوی یا اخلاقی و بهداشت جسمی و روحی وی می‌شود و بند الف همین ماده به تشویق رسانه‌های گروهی به انتشار اطلاعات و مطالبی که برای کودکان استفاده‌های فرهنگی داشته باشد و بند ب همین ماده به تشویق همکاری‌های بین‌المللی در جهت تولید، مبادله و انتشار این گونه اطلاعات و مطالب از منابع گوناگون فرهنگی، ملی و بین‌المللی به عنوان یکی از تعهدات دولت‌های عضو اشاره دارد.

ماده ۲۱ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت به موضوع آزادی بیان و عقیده و دسترسی به اطلاعات برای افراد دارای معلولیت می‌پردازد و بیان می‌دارد:

دولت‌های عضو تمامی تدابیر مناسب را اتخاذ خواهند نمود تا تضمین نمایند افراد دارای معلولیت می‌توانند حق آزادی بیان و عقیده، از جمله آزادی جست‌وجو، دریافت و سهیم شدن در اطلاعات و عقاید را بر مبنای برابر با سایرین و از طریق تمامی اشکال ارتباطی به انتخاب خود و به گونه‌ای که در ماده (۲) این کنوانسیون تعریف شده است، از جمله از راه‌های زیر اعمال نمایند:

- (الف) رایه اطلاعات در نظر گرفته شده برای عموم مردم به افراد دارای معلولیت در اشکال و فن‌آوری‌های قابل دسترس و متناسب با انواع معلولیت، به موقع و بدون هزینه اضافی؛
- (ب) پذیرش و تسهیل استفاده از زبان اشاره، بریل، روش‌های ارتباطی تقویت شده و جایگزین و سایر شیوه‌ها، روش‌ها و اشکال ارتباطی قابل دسترس افراد دارای معلولیت به انتخاب خودشان در تعاملات رسمی؛
- (پ) ملزم ساختن نهادهای خصوصی که رایه‌کننده خدمات به عموم مردم از جمله از طریق اینترنت می‌باشند، جهت رایه اطلاعات و خدمات در اشکال مفید و قابل دسترس برای

افراد دارای معلولیت؛

(ت) ترغیب رسانه‌های همگانی از جمله رایه‌کنندگان اطلاعات از طریق اینترنت جهت قابل دسترس نمودن خدمات خود برای افراد دارای معلولیت؛

(ث) شناسایی و ترویج استفاده از زبان‌های اشاره.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مفهوم آزادی بیان، به عنوان یک حق فردی، به صراحت اشاره نشده است. با این وجود، اصل بیست و چهارم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» اصل ۱۷۵ قانون اساسی نیز به موضوع آزادی بیان در صدا و سیما این گونه می‌پردازد: «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.» در قانون اساسی بر جست و جو، جمع‌آوری، انتقال، انتشار و دریافت آزادانه اطلاعات اشاره نشده است.

در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، موضوع دسترسی افراد دارای معلولیت به اطلاعات طرح نشده است. با مطالعه دقیق تعهدات کشورها در خصوص دسترسی به اطلاعات بر اساس کنوانسیون معلولان روشن می‌گردد که سازوکارهای قانونی و اجرایی متعددی باید برای تحقق این تعهدات ایجاد گردد. همان‌گونه که در بخش بعدی توضیح داده خواهد شد، قانون جامع مقررات کامل و تفصیلی را برای مناسب‌سازی محیط‌های فیزیکی برای معلولان پیش‌بینی نموده است. اما در خصوص مناسب‌سازی محیط‌های مجازی و فرهنگی مقررات کافی وجود ندارد. به طور مثال، تسهیل استفاده از زبان اشاره، بریل و روش‌های ارتباطاتی دیگر و ترغیب رسانه‌های همگانی از جمله رایه‌کنندگان اطلاعات از طریق اینترنت به اینکه خدماتشان برای افراد دارای معلولیت قابل دسترس باشد؛ در قانون جامع درج نگردیده است. ماده ۴ (بند ۱-ب) کنوانسیون معلولان، کشورهای عضو را متعهد می‌سازد تا برای پایه‌گذاری تمام حقوق به رسمیت شناخته شده در این کنوانسیون تمام اقدامات قانون‌گذاری و مدیریتی و سایر اقدامات مناسب را مصوب نمایند.

هرچند هدف اصلی حق دسترسی به اطلاعات ارتقای سطح آگاهی عمومی خود معلولان می‌باشد، حقیقت این است که یکی از علل ناکامی‌های موجود در دستیابی افراد معلول به منزلتی شایسته و خدمات مورد نیاز، فقدان آگاهی آنان، خانواده‌های‌شان و نیز عموم مردم در خصوص توانمندی‌ها از یک سو و نیازهای آنان از سوی دیگر می‌باشد. به عبارت دیگر،

شاه‌کلید حل بسیاری از مشکلاتی که هم اکنون جامعه معلولان دچار آن است، افزایش سطح آگاهی عمومی است (یوسفیان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶).

در این خصوص ماده ۱۲ قانون جامع بیان می‌دارد که «سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است که حداقل دو ساعت از برنامه‌ها را در هفته در زمان مناسب به برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور و آشنایی مردم با توانمندی‌های معلولان اختصاص دهد.» اگرچه اجرای این ماده مفید می‌باشد، اما به تنهایی نمی‌تواند جواب‌گوی نیازهای موجود در خصوص افزایش آگاهی معلولان و عموم مردم در مسایل مرتبط به معلولان باشد و نیاز به ابتکارات و تنوع روش‌ها دارد.^۱

مناسب سازی (ایجاد تسهیلات لازم)

در مباحث فوق حقوق ماهوی فرهنگی معلولان مورد مطالعه قرار گرفت. بحث اساسی دیگری وجود دارد و آن مناسب‌سازی محیط‌های مجازی، فیزیکی، فرهنگی و محیط‌های اجتماعی برای تسهیل و امکان‌پذیر نمودن بهره‌مندی معلولان از حقوق خود بالاخص حقوق فرهنگی می‌باشد. به طور مثال، بر اساس قانون جامع حق تحصیل رایگان معلولان در واحدهای آموزشی به رسمیت شناخته شده است. اما اگر امکان دسترسی فرد معلول به این واحدها از جهت تأمین وسیله نقلیه مناسب، از جهت محیط فیزیکی و یا وسایل آموزشی مناسب فراهم نباشد، حق فوق غیر قابل استیفا خواهد بود.

کنوانسیون حقوق معلولان در ماده ۹ تعهدات، کشورهای عضو را در خصوص مناسب‌سازی

۱. در گزارش اقدامات انجام شده در خصوص ماده ۱۲ آمده است: سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی در جهت تولید برنامه‌های مرتبط با توانمندی‌های معلولان اقداماتی را انجام داده، ولی کافی نبوده است، لذا تمهیداتی از سوی روابط عمومی سازمان اندیشیده شده که انشاء... با حمایت‌های مالی و معنوی از فیلم‌سازان و تولیدکنندگان سریال‌های تلویزیونی، شاهد تحول در برنامه‌های مرتبط با توانمندی‌های معلولان خواهیم بود. با وجود این، طی سال ۸۵ تا حال حاضر سازمان بهزیستی برای نخستین بار، با همکاری سازمان صدا و سیما اقدام به تهیه و پخش بیش از ۷۰۰ ساعت برنامه زنده و غیرزنده از ۵ شبکه سیما نموده است. در همین راستا، چند جشنواره نیز به مناسب هفته بهزیستی و روز جهانی معلولان و... برگزار شده و تعداد زیادی از وزرا و مدیران عالی رتبه کشور طی این جشنواره‌ها با معلولان عزیز در منازل ایشان دیدار کرده‌اند که از طریق صدا و سیما منعکس شده است. برنامه‌هایی نیز برای توسعه فعالیت شبکه‌های صدا و سیما در این زمینه در دست بررسی و هماهنگی است. (سایت سازمان بهزیستی)

محیط‌های فیزیکی، آموزشی و اجتماعی برای معلولان بیان می‌نماید:

برای توانمندسازی معلولان به داشتن یک زندگی مستقل و مشارکت کامل آن‌ها در تمام جنبه‌های زندگی، دولت‌های عضو می‌بایست اقدامات مناسب را برای حصول اطمینان از دسترسی معلولان، مانند سایر افراد، به محیط‌های پزشکی، حمل و نقل، اطلاعات و ارتباطات، شامل تکنولوژی و سیستم‌های ارتباطی و نیز دسترسی آنان به سایر تسهیلات و سرویس‌های عمومی و آزاد، هم در مناطق روستایی هم در مناطق شهری به عمل آورند.

این ماده سپس به بیان جزییات مناسب سازی ساختمان‌ها، راه‌ها، حمل و نقل و تسهیل دسترسی معلولان به اطلاعات و ارتباطات (از جمله سرویس‌های الکترونیک) و دیگر امر مربوط به مناسب‌سازی می‌پردازد. ماده ۲۰ کنوانسیون نیز به ارائه خدمات لازم در جهت تسهیل تحرک شخصی معلولان اشاره دارد.

در حقوق داخلی این امر مورد توجه قرار گرفته است. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور به برخورداری از سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، و بهره‌مندی از محیط‌زیست مطلوب برای ملت ایران اشاره شده است. با توجه به شرایط خاص جسمی و محدودیت در توانایی‌های معلولان، ضرورت دارد تا مناسب سازی محیط برای بهره‌مندی معلولان از حقوق اجتماعی و فرهنگی خود انجام گیرد. مناسب‌سازی در قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی مصوب دولت مورد توجه خاص قرار گرفته است. ماده ۳۰ (بند ۲ بخش الف) قانون برنامه چهارم توسعه دولت را برای مناسب‌سازی فضاهای شهری و روستایی برای جانبازان و معلولان جسمی حرکتی موظف می‌سازد و اعمال این ضوابط را در اماکن و ساختمان‌های عمومی و دولتی ضروری می‌داند. ماده ۲ قانون جامع مقرر می‌دارد: کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای معلولان همچون افراد عادی فراهم گردد.

تبصره ۱: وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی موظفند جهت دسترسی و بهره‌مندی معلولان، ساختمان‌ها و اماکن عمومی، ورزشی و تفریحی، معابر و وسایل خدماتی موجود را در چارچوب بودجه‌های مصوب سالانه خود

مناسب‌سازی نمایند.^۱

ماده یک آیین‌نامه اجرایی ماده ۲ قانون جامع،^۲ مناسب‌سازی را چنین تعریف می‌نماید: «مناسب‌سازی»: اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل و نقل است، به طوری که افراد معلول قادر باشند تا آزادانه و بدون خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و بین شهری و ساختمان‌های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند. بر اساس همین ماده اماکن عمومی شامل کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، اماکن ورزشی، پایانه‌ها، فرودگاه‌ها، قطارهای شهری و برون شهری، مراکز تجاری، بانک‌ها و خود پردازها، بوستان‌ها، معابر عمومی و نظایر آن‌ها می‌گردد.

ماده چهار آیین‌نامه، شهرداری‌های سراسر کشور را موظف می‌سازد که مناسب‌سازی معابر عمومی را با اولویت معابر اصلی و نزدیک به تقاطع‌ها و هم‌چنین پارک‌ها را به انجام رسانند و به تجهیز و نصب چراغ‌ها و علائم راهنمایی مناسب در معابر عمومی و برجسته‌سازی سطوح پیاده‌روهای نزدیک به تقاطع و هم‌چنین پارک‌ها مبادرت نمایند.

ماده پنج آیین‌نامه به امر حمل و نقل مناسب توجه داشته و کلیه شرکت‌ها و سازمان‌های حمل و نقل عمومی درون شهری و برون شهری موضوع این آیین‌نامه را موظف می‌سازد تا طی یک برنامه پنج ساله نسبت به مناسب‌سازی اماکن عمومی خود (ایستگاه‌ها، بنادر و فرودگاه‌ها) و وسایل حمل و نقل عمومی مربوط بر اساس ضوابط و مقررات برای معلولان اقدام نمایند. ماده

۱. اقدامات انجام شده در خصوص ماده ۲ تشکیل ستاد هماهنگی و پی‌گیری مناسب‌سازی کشور (در تهران با هماهنگی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، در استان‌ها با نظارت استاندار و در شهرستان‌ها با نظارت فرماندار تشکیل شده است) که اجرای ماده ۲ و تبصره‌های مربوطه در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان را دنبال نموده و گزارشات مربوطه را به مراجع ذی‌صلاح منعکس می‌نماید.

از جمله نتایج پیگیری مصوبات این ستاد می‌توان به اقدام برای عقد تفاهم‌نامه با ۳ وزارتخانه برای شروع عملیات مناسب‌سازی ساختمان‌های در اختیار در سراسر کشور و راه‌اندازی ۲۱ دستگاه آسانسور در ۵ ایستگاه مترو صادقیه، خیام، ترمینال جنوب، امام خمینی (ره) و خزانه توسط شرکت قطار شهری تهران اشاره کرد. (سایت سازمان بهزیستی)

۲. بر اساس تبصره ۴ ماده ۲: آیین‌نامه اجرایی مناسب‌سازی مشترک توسط وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و وزارتخانه رفاه و تأمین اجتماعی تهیه و در جلسه مورخه ۱۳۸۴/۳/۴ به تصویب هیأت وزیران رسید.

شش شرکت‌های خودروساز داخلی را متعهد می‌نماید تا استانداردهای لازم جهت ساخت وسایل نقلیه عمومی به منظور استفاده معلولان و جانبازان را رعایت و نسبت به ساخت خودروهای شخصی متناسب با وضعیت معلولان و بنا به سفارش آنان یا دستگاه‌های ذیربط اقدام نمایند.

در جهت اشاعه فرهنگ مناسب‌سازی، ماده هفت آیین‌نامه فوق، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنیاد شهید و امور ایثارگران را ملزم می‌سازد تا با هماهنگی سازمان بهزیستی کشور نسبت به تولید و پخش برنامه‌های آموزشی در رسانه‌های عمومی (ملی و استانی) برای ارتقای آگاهی عمومی در زمینه مناسب‌سازی برای افراد دارای معلولیت اقدام نمایند.^۱

در خصوص موضوع مناسب‌سازی برای تسهیل فرآیند آموزش، تبصره سوم ماده یک آیین‌نامه آموزش و پرورش تلفیقی فراگیر کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه نیز بیان می‌دارد که وزارت آموزش و پرورش موظف است با تدوین استانداردها و شاخص‌های مورد نیاز نسبت به ایمنی و مناسب‌سازی فضاهای مدرسه و کلاس‌ها و برگزاری جلسات آموزش جبرانی و استمرار خدمات سلامت و توانبخشی و رفاهی برای حضور دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان بهزیستی اقدام نماید.

هدف از اجرای این روش، گسترش عدالت آموزشی و تأمین فرصت‌ها و امکانات مناسب پرورشی و آموزشی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به منظور نیل آنان به کفایت‌های فردی و اجتماعی و همچنین شناخت متقابل دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه و ایجاد زمینه تعامل صحیح بین آنان به منظور فراهم نمودن زمینه پذیرش تفاوت‌ها در افراد جامعه است (بند یک و دوم ماده ۲ آیین‌نامه).

برخی از نویسندگان معتقدند که مقررات حمایتی تحسین برانگیز می‌باشد، ولی بین «قانون‌گذاری» و «اجرا» تفاوت قایل شده‌اند (رضایی و السان، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵). در خصوص مناسب‌سازی، می‌توان نتیجه گرفت که قوانین و آیین‌نامه‌های کافی وجود دارد، ولی باید در یک

۱. نظارت بر اجرای این آیین‌نامه در سراسر کشور با سازمان بهزیستی کشور بوده و سازمان یاد شده موظف است که گزارش نظارتی خود را به هیأت وزیران منعکس نماید (ماده ۹ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲).

مطالعه مستقل تحقیق نمود که تا چه اندازه این مقررات عملی شده‌اند. با توجه به شواهد و نگاه اولیه فرض بر این می‌باشد که تلاش‌های بسیاری لازم است تا مناسب سازی مقرر در حقوق ایران جامه عمل بپوشد.

نتیجه

حق مشارکت آزادانه تمامی افراد در زندگی فرهنگی در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته بود. با توجه به ناتوانایی‌های جسمی و یا روحی معلولان تحقق حقوق آنان از جمله حقوق فرهنگی با مشکلات و چالش‌هایی همراه بود و برای رفع این موانع نیاز به راهکارهای قانونی و اجرایی ویژه بود. به عنوان یک گام مثبت قانون جامع حمایت از معلولان در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در سال ۱۳۸۸ ایران به کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ملحق گردید.

از تحقیق و تطبیق تعهدات ایران تحت اسناد فوق این نتیجه حاصل می‌گردد که از میان حقوق فرهنگی اختصاص یافته به معلولان، حق آموزش نقش کلیدی و اساسی دارد. در واقع، تحقق بسیاری از حقوق معلولان در گرو امر آموزش می‌باشد. اگر آموزش معلولان به نحو احسن و به طور کامل انجام شود، بستر مناسبی برای تحقق حق اشتغال و دیگر حقوق فرهنگی (مانند مشارکت در زندگی فرهنگی و دسترسی به اطلاعات) فراهم خواهد شد. مقررات مندرج در قانون جامع و کنوانسیون حقوق معلولان در خصوص آموزش مناسب و پیشرفته می‌باشد و در مواردی از قبیل گستره آموزش رایگان، قانون جامع حقوق بیش‌تری را در مقایسه با کنوانسیون برای معلولان مقرر داشته است. اما در خصوص دیگر حقوق فرهنگی قانون جامع ساکت است. به طور مثال، در خصوص مشارکت در زندگی فرهنگی و دسترسی به اطلاعات، کنوانسیون مقررات تفصیلی و جامعی را دارا می‌باشد؛ اما قانون جامع و آیین‌نامه‌های مربوطه سازوکارهای لازم را برای اجرایی نمودن مفاد کنوانسیون پیش بینی نکرده است. رفع این مشکل می‌تواند از طریق اصلاح قانون جامع، تصویب قانون متمم و یا با تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی برای مواد کنوانسیون تحقق پذیرد. به عبارت دیگر، کنوانسیون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت بعد از تصویب قانون جامع حمایت از معلولان به وجود آمده است و ایران با پیوستن به این کنوانسیون تعهدات جدیدی را به عهده گرفته است و باید خود را با این تعهدات تطبیق

دهد.

موضوع دیگر ایجاد تسهیلات لازم (مناسب‌سازی) در محیط‌های فیزیکی و مجازی برای معلولان می‌باشد. اهمیت مناسب‌سازی برای بهره‌مندی معلولان از حقوق خود، مخصوصاً حقوق فرهنگی، کم‌تر از خود حقوق نمی‌باشد. مقررات نسبتاً جامعی در خصوص مناسب‌سازی محیط‌های فیزیکی عمومی و فرهنگی از جمله آماده‌سازی مکان‌ها و ساختمان‌ها و وسایل نقلیه وجود دارد و تلاش‌ها باید در خصوص اجرای این مقررات متمرکز شود. در خصوص مناسب‌سازی‌های محیط‌های مجازی در کنوانسیون حقوق معلولان مقررات متعددی درج گردیده است. تسهیل استفاده از زبان اشاره، بریل و ترغیب رسانه‌های همگانی از جمله آرایه‌کنندگان اطلاعات از طریق اینترنت به اینکه خدماتشان برای افراد دارای معلولیت، خصوصاً برای نابینایان و یا ناشنویان قابل دسترس باشد، از جمله این مقررات می‌باشد. با این وجود، در قانون جامع و آیین‌نامه‌های مربوطه موارد فوق در خصوص مناسب‌سازی‌های محیط‌های مجازی آموزشی و فرهنگی پیش‌بینی نگردیده است؛ هرچند سازمان بهزیستی و نهادهای ذیربط تلاش‌هایی را در این زمینه انجام داده‌اند.

در خاتمه باید اذعان داشت که باور عمومی مردم کشور نسبت به معلولان بیش‌تر نشأت گرفته از دیدگاه ترحم به معلولان است که سال‌هاست در سراسر جهان حاکم است و تلاش کم‌تری در جهت توانمندسازی ایشان انجام می‌گیرد. دولت باید فعالیت همه‌جانبه‌ای را برای ترویج رویکرد توانمندسازی، به عنوان یک اقدام زمینه‌ساز در خصوص تحقق حقوق فرهنگی معلولان به کار ببندد و این نکته که معلولان هم مانند سایر شهروندان در فضای بدون تبعیض باید از حقوق خود بهره‌مند شوند، جای خود را در فرهنگ و ادبیات و نظام آموزشی و فرهنگی کشور باز کند.

منابع و مأخذ:

۱. توسلی نایینی، منوچهر؛ کاویار، میر حسین (۱۳۸۷)، "تأملی بر حقوق معلولان از منظر کنوانسیون حقوق معلولان و سایر اسناد بین‌المللی"، اندیشه‌های حقوق خصوصی، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۵۱ - ۸۲.
۲. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۵)، "مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش". تهران، مدرسه.
۳. رضایی، علی؛ السان، مصطفی (۱۳۸۷)، "حقوق آموزشی کودکان معلول در ایران: ضرورت همگامی با تحولات بین‌المللی"، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۲۲۱ - ۲۳۶.
۴. ژرار، آگوستین (۱۳۷۲)، "توسعه فرهنگی: تجارب و خط مشی‌ها"، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی و هنری.
۵. سیمونیه، یانوج (۱۳۷۸)، "حقوق فرهنگی، بخش فراموش شده حقوق بشر"، ترجمه رضا مصطفی زادگان، همشهری، سال هفتم شماره ۱۹۰۸، ۳۰ مرداد ۱۳۷۸، ص ۶.
۶. قاری سید فاطمی، سید محمد (۱۳۸۷)، "تحول گفتمانی: حق‌ها و آزادی‌های معلولان در آینه حقوق بشر معاصر"، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۸۵ - ۲۰۸.
۷. مرکز حقوق بشر (۱۳۷۶)، "راهنمای گزارش‌دهی حقوق بشر"، شامل ۶ سند بین‌المللی حقوق بشر، مرکز حقوق بشر با همکاری مؤسسه آموزش و تحقیقات ملل متحد (یونیتار) ژنو.
۸. نوری نشاط، سعید؛ پاکزادمنش، پروین (۱۳۸۸)، "تسهیل‌گری در توانبخشی مبتنی بر جامعه"، ج اول، راهنمای آموزشی ویژه تسهیل‌گران محلی، جلد دوم، راهنمای آموزشی ویژه تسهیل‌گران میانی، ج سوم، راهنمای آموزشی ویژه کارشناسان. شهرکرد: بهزیستی استان چهارمحال و بختیاری.
۹. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، "حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران"، ج اول، چ ششم، تهران، میزان.

۱۰. یوسفیان، الهام (۱۳۸۷)، "تأملی بر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در پرتو مقررات کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت"، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۳، (بهار و تابستان ۱۳۸۷)، صص ۲۱۹ - ۲۰۹.
۱۱. سایت سازمان بهزیستی (بخش قوانین):
12. <http://behzisty.ir/Documents/Show.aspx?id=17>
۱۳. سایت دفتر معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری:
14. <http://www.spac.ir/barnameh/Barname244/index.htm>
۱۵. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، (۱۹۶۶).
۱۶. کنوانسیون حقوق کودک، (۱۹۸۹).
۱۷. کنوانسیون حفاظت و ترویج تنوع جلوه‌های فرهنگی، ۲۰۰۵ (مصوب سی و سومین کنفرانس عمومی یونسکو).
۱۸. کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، (۲۰۰۶).
۱۹. پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت، (۲۰۰۶).
۲۰. اعلامیه حقوق کودک (مصوب مجمع عمومی، ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹).
۲۱. برنامه اقدام سیاست‌های فرهنگی برای توسعه، مصوب کنفرانس بین‌المللی سیاست‌های توسعه‌ای در استکهلم (۳۰ مارس الی ۲ آوریل ۱۹۹۸).
۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. قانون جامع حمایت از حقوق معلولان (۱۳۸۳).
۲۴. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۱).
۲۵. قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۴ - ۱۳۸۸).
۲۶. سند چشم‌انداز بیست ساله.
۲۷. اصول سیاست فرهنگی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۱).
۲۸. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد مصوب هیأت دولت (۱۳۸۴).
۲۹. آیین‌نامه آموزش و پرورش تلفیقی - فراگیر کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه مصوب شورای آموزش و پرورش (۱۳۸۵).
۳۰. آیین‌نامه اجرایی ماده (۲) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، مصوب هیأت وزیران مورخه ۱۳۸۴/۳/۴.

۳۱. آیین‌نامه اجرایی ماده (۸) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۴/۵/۵.

۳۲. آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۰) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان مصوب هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۴/۵/۹.

33. Community Based Rehabilitation (CBR), Joint Position Paper. Publication of World Health Organization, 2004.
34. Goncalves, Maria Paola (1998). "A cultural decade, reflections on the world decade for cultural development", 1988-1997. UNESCO. Studies and Reports of the Unit of Cultural Research and Management - No. 5, Paris.
35. Khasnabis, Chapal (2006), "DRAFT ILO/UNESCO/WHO CBR Guidelines".
36. UNESCO, (2006), "Highlights on progress to date", the document was published within the framework of the UN Decade of education for Sustainable Development (DESD): 2005-2014. January 2006.
37. UNESCO, (1998), "Action plan on cultural policies for development adopted in by the Intergovernmental conference on cultural policies for development", Stockholm, Sweden, 2 April 1998. UNESCO culture of peace programme, Networking and Information Section (<http://www.unesco.org/cpp>).

